

فرهنگ حذف یا حذف فرهنگ



محمدرضا شهبانی
مدرس دانشگاه

قدر پیرتر گردد طبیعی است، که به «تکامل فرهنگ» و نزدیکی به آن چاره‌ای ندارد. در حقیقت فرهنگ همان تراوش‌های فکری بشری است که بر اثر تلاش‌های مستمر و خستگی‌ناپذیر آدمیان در جریان تاریخی شدن خویش، به «انسانیت» آدمی منجر خواهد شد. و در یک کلام «سبب تعالی ملت‌ها» شده است. در این راستا اگر موانعی سر راه شکوفایی جامعه و ملت‌ها قرار بگیرد این پویه و سیر فرهنگی، مدتی به تأخیر خواهد افتاد و گر چه از آن جا که «تاریخ» در مسیر تکامل خود به راه خویش ادامه خواهد داد- همچنان که تا به حال چنین بوده است- اما وجود موانع اساسی در این سیر و پویه، موجبات گمراهی و ایجاد گرایش‌هایی گاه افراطی و نیمه وحشی را فراهم می‌کند. البته همین گرایش‌ها، به رشد فکری آدمی، آسیب‌هایی گاه جبران‌ناپذیر خواهد زد و در یک کلام آسیب‌های جدی که «آزادی» و «تسامح» میان انسان‌ها را برای مدتی به تأخیر انداخته و قطعا و تنها نبود همین دو عامل آزادی و تسامح سبب جان گرفتن اندیشه‌های دن‌کیشوتی تاریخ و بسته شدن شاهرگ حیات آدمی است. اینکه برخی فیلسوفان اندیشه معتقدند که «انسانیت هنوز در اول راه خویش است.» ناظر بر همین معناست و نشان نوعی از این تفکر است که انسان برای حفظ «انسانیت» خویش همواره باید در تلاش و تحصیل آن باشد.

حصول «آزادی» و «تسامح» فکری به قیمتی بسیار برای انسان حاصل شده است و جز از «میان امواج خون دل» و «عرق جبین انسان‌ها» به دست نیامده. طبعاً دو عنصر بس شریف یادشده، جز در اندیشه‌ی دولت‌ها و حکومت‌های خردگرا و انسان‌دوست و خواستار ماندگاری به منصفی ظهور نخواهد رسید و اگر جویای چنین مدینه‌ی فاضله‌ای باشیم بی‌تردید ناگزیریم از همسویی دولت و فرهنگ دولتی که به چنین عقیده‌ای پایبند و ملتزم باشد دولت فرزانه‌ای است. یاکوب بوکهارت Jacob Burckhardt سه قدرت بزرگی که واقعیت هستی بشر و روند تاریخ را تعیین کرده‌اند عبارت دانسته است از «دین، دولت و فرهنگ». اینکه گاه در طول روند تاریخ، رفتار دولت‌های غیرفرزانه متعصب منجر به خرابی دین و فرهنگ گشته

است جای هیچ شکلی نیست. آنچه مهم است یادآوری این نکته است که در دنیای کنونی با تمامی ترقیات در بخش صنعت و مادیات هنوز برخی

اینک «فرهنگ» با واژه‌ی «تمدن» Civilization در این راستا مرتبط است البته مسأله‌ای که جداگانه باید بررسی گردد. همین قدر باید گفت: «تمدن نیازمند فرهنگ است. زیرا تمدنی می‌تواند پایدار و سازنده باشد که استوار بر فرهنگ آن ملت باشد، به عبارت دیگر تمدن باید پشتوانه‌ی از فرهنگ ملی داشته باشد تا پایدار و سازگار با طبع آن ملت شود. فرهنگ سازنده‌ی تمدن هست اما تمدن تنها می‌تواند جلوه‌گاه فرهنگ باشد نه سازنده‌ی آن.» اما بی‌شک این دو واژه در بسط یکدیگر در جوامع بی‌تأثیر نبوده بلکه از جهاتی مکمل یکدیگر در دنیای کنونی محسوبند. هر چه هست پرورش و دستاورد فکری آدمی تنها در مسیر تاریخی ممکن است و در این مجرا قابل تکامل و برعکس رو به انحطاط اگر چه در بعضی دوران به جهاتی- که در این مقال قابل ارزیابی نیست- بسط فرهنگ انسانی در مسیر تاریخی گاه با دشواری‌هایی بسیار روبه‌رو بوده است اما در مجموع در یک نظر نهایی سیری رو به رشد داشته است. قطعا «تاریخ» هر چه

هر جامعه‌ای که خواهان سعادت و ترقی است بی‌شک مجبور خواهد بود که به دنبال آنچه مقدمات یک فرهنگ سالم و پویاست، باشد. از مشخصه‌های یک فرهنگ پویا، وجود جوانانی با تحرک، تحرکی از سرآگاهی و معرفت است. از طرفی جامعه‌ها در جریان تاریخی- به گفته‌ی فیلسوفان فرهنگ و اندیشه- معمولا در سیر تکامل و تعالی فکری در حرکتند و خواه ناخواه، جوامع امروز دنیا، باید به همان مسیری حرکت نمایند که دیگر ملیت‌های مترقی رو به کمال و سیر و پویه‌اند.

پیش از ورود به مبحث این مقال، بهتر است درباب واژه «فرهنگ» به اختصار چند سطری یادآور شد. «فرهنگ» Culture از نظر ریشه‌شناسی قرابت بسیاری با معنای «کشت کردن» داشته. Culture یعنی همسو و مترادف پرورش یافتن و بعدها در قرون وسطی به معنای پرستش و عبادت به کار می‌رفته است. اما آنچه مربوط به معنای لغوی این واژه و ارتباطش در معنای امروزی آن است. در حقیقت «معنای آغازین که در کشاورزی و کشت و زرع به کار می‌رفت، گرایش به رشد طبیعی را نشان می‌داد.»

واژه‌ی فرهنگ از قرن ۱۶ میلادی از گرایش به رشد طبیعی در کشت و زرع به مفهوم مجازی توسعه‌ی انسانی انتقال معنی یافت. گرچه دگرگونی و مفاهیم واژه‌ی «فرهنگ» آسان نیست اما می‌توان پنداشت که فرهنگ از طریق «پرورش» در حوزه‌های رفتاری و غیرمادی بشر مرتبط است. آنچه امروز به عنوان دستاورد معنوی بشر نامیده می‌شود، فرهنگ است. فرهنگ بنا به اظهار استاد دکتر معین «مجموعه‌ی آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم» است.



دولت‌ها بی آن که خود بدانند و خود ندانند مانع مهمی در جریان آنچه مربوط به «انسانیت» آدمی است عمل می‌کنند. به تصور این دولت‌ها، چنین رفتاری، عاملی در ترقی معنوی بشریت خود است. بی‌شک ایجاد چنین مواعنی خود سبب «حذف فرهنگی» ملتی است که می‌بایست همسو با دیگر ملل جهان در رشد انسانی شریک می‌بودند.

اگر قرار باشد در مسیر شکوفایی ملی و فرهنگی باشیم در این راستا هیچ راهی ممکن به مقصود نیست مگر آن که قدری بیشتر و باتامل به فرهنگ و دنیای متمدن امروز جهان بنگریم، آنچه سبب تعالی امروز ما خواهد شد بی آن که لطمه‌ای به سنن و آداب گذشته‌ی ما وارد سازد. در ثانی در جریان تاریخی «آزادی عقیده» و «تسامح» - دو میوه‌ی شیرین انسانیت، با وجود اختلاف در زبان، نژاد، محیط، دین و اجتماع و غیره را از کف ندهیم. دیگر آن که «تعقیب و آزار مخالفان عقاید رسمی» که هنوز در دنیای امروز بقایایی از خاطرات گذشته‌ی فراموش شده را منعکس می‌کند غالباً مبنی بر این توهم است که گویی عقاید و افکار غیررسمی نوعی بیماری روحانی است، که جامعه را می‌آلاید و باید از آن اجتناب کرد. با این همه، تاریخ همیشه این نکته را نشان داده است که اگر چیزی از نوع یک بیماری روحانی در جامعه هست، عبارت است از تعصب و بی‌تسامحی. اگر درست است که هر جامعه، هر قوم، و هر طبقه در هر مرحله‌ای از انسانیت که هست هنوز ناقص است، هیچ جامعه، هیچ قوم و هیچ طبقه‌ای حق ندارد عقاید و افکار دیگران را آمیخته به خطا، گمراه‌کننده و پست بخواند.

احترام به عقاید دیگران، بی آن که خطری و آسیبی متوجه آنان باشد از ضروریات است. کشور ما از دیرباز دارای سابقه‌ای در درازای تاریخ است. باید خاطر نشان ساخت «ایرانیان اولین قومی هستند که در دنیای قدیم ندای آزادی اعتقادات را سر دادند.» مساله دیگری بنا به تعبیر استاد گرانمایه دکتر عبدالحسین زرین کوب، بحث «چندصدایی» فرهنگ است.

در فرهنگ ایرانی، انواع و اقسام فرهنگ‌ها و سدهای گونه‌گون اندیشه موجود است، که مدت‌ها است در این سرزمین به ماندگاری خود ادامه داده و اگر هم برخی از این فرهنگ‌ها نتوانستند خود را با دنیای کنونی وفق دهند باری یا در فرهنگ دیگر انحلال رفتند و یا به کلی فراموش گشتند - البته این جا قصد ارزش‌گذاری آن فرهنگ‌های گوناگون نیست - موضوع بر سر موجودیت آنهاست. در واقع همین فرهنگ‌ها هستند که موجودیت کشور را بدین شکل کنونی رسانده‌اند.

از آنچه گفته شد می‌توان چنین نتیجه گرفت

نسل جوان و جویای فرهیختگی در چنین اوضاعی آنچه را می‌خواهند، نمی‌بینند و آن چیزی که نمی‌خواهند، می‌بینند. بی‌تردید اصحاب فرهنگ باید به این موانع و معضلات قدری با درنگ و از سر تامل بنگرند.

باری سترون‌سازی فرهنگی، و مقبولیت سانسور فرهنگی، جز جذب به همه‌های فرهنگی غرب و شرق نیست. بی‌تردید اگر قرار است به فرهنگ صحیح و باورهای درست نایل شویم چاره‌ای نداریم جز اینکه ضمن حفظ سنن گذشته‌ی فرهنگی‌مان چشمی هم به دنیای در حال ترقی داشته باشیم و درسی که می‌توان از گذشته‌ی تاریخی خود و ملل مترقی دریابیم چیزی جز «آزادی» و «تسامح» که لازمه‌ی کسب دیگر فضایل فرهنگی و اخلاقی جامعه است، نمی‌باشد. ▲

که ایران با توجه به سابقه‌ی چندین هزاره‌اش نیازمند نگرش‌های فرهنگی‌تر و خارج از تعصبات و قشری‌نگری‌هاست، در این راستا چاپ و نشر کتاب، از سهم بزرگی برخوردار است. اگر اجزا یا فصولی از کتاب‌های دردست انتشار، بنا به دلایلی - هر گونه دلیل ممکن - ممیزی خورد و حذف گردد ظاهر امر آن است که این کار - طبق نظر اولیای امور - به نفع شهروندان و کسانی است که قرار است کتاب را مطالعه نمایند؛ زیرا به تصور اینان، اگر حذف و ممیزی صورت نگیرد احتمال ضلال و انحراف ممکن است و فرجام این چنین نشر کتب، صلاح جامعه نیست. اما پاسخی که می‌توان داد این است که اگر در دنیای کنونی - که عصر ارتباطات و اطلاعات علمی و فرهنگی است - اجزایی از دانسته‌هایی که ضروری انسان امروز است بنا به همان دلایل در دسترس خوانندگان قرار نگیرد در حقیقت علاوه بر آن که دستگاه مجوز نشر کتب به شعور مخاطبان چندان توجهی ننموده، در حقیقت

ندانسته کمکی غیرآشکار به رواج کسب اطلاعات از راه‌های به ظاهر غیرمجاز و رسمی خواهد کرد و چنان که می‌دانیم «جوینده یا بنده است.» این کار از طرفی، کمک به رونق و بازارگرایی فروش کتب بازار سیاه و بازار آزاد می‌نماید و این هم به ضرر انتشارات و اصحاب نویسندگان است.

اتخاذ چنین سیاست‌هایی در مجموع به نفع فرهنگ ملی و شکوفایی اندیشه‌ورزی نیست. زیرا حذف مطالب، منجر به فرهنگ حذف (سانسور) و در نتیجه حذف فرهنگ خواهد شد. اینجاست که تهاجم فرهنگی معنا پیدا می‌کند. زیرا کسانی که خواهان دانش، فرهنگ، علم و فن جدیدند یکباره جذب فرهنگ خارجی خواهند شد و این کار سبب تهی شدن فرهنگ اصیل خودی و تقویت فرهنگ غیرخودی است. به دیگر سخن



شرکت خدمات مسافرتی

اطلس

(عضو یاتا)

شماره ثبت: ۷۵۴۰ تاریخ تاسیس: ۱۳۳۹/۷/۲۶

بیش از چهاردهه سابقه خدمت



خیابان میرداماد، میدان مادر (محسنی)، خیابان شهید شاه‌نظری

پلاک ۴۱. صندوق پستی: ۱۹۹۱ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۲۲۲۲۱۰۳۶ - ۲۲۲۷۰۰۶۱ - ۲۲۲۷۰۰۶۲

فاکس: ۲۲۲۷۰۰۶۳